

این شبکه متراکم رابطه‌ای وهماهنگی‌های مذاکره‌شده بین نیروهای طرفین اغلب برای افراد خارجی مبهم و نامفهوم است. ارتش و سرویس‌های اطلاعاتی ایالات متحده در طول ۲۰ سال گذشته عموماً این سازگار را درک نکرده یا نادیده گرفته‌اند، زیرا آنها به دنبال ترسیم تصویری خوش‌بینانه از تلاش‌های امریکا برای ایجاد ارتشی قوی و وفادار در افغانستان بودند

در زمستان سال ۱۹۸۹ به‌عنوان خبرنگار روزنامه تایمز لندن با گروهی از مجاهدین در ولایت غزنی افغانستان همراه شدم. در نقطه‌ای یک پاسگاه نظامی مستحکم در آن سوی دره نمایان شد. جلوتر که رفتیم پرچمی هم که بر فراز آن به اهتزاز درآمده بود، نمایان شد. پرچم دولت کمونیستی افغانستان که مجاهدین برای سرنگونی آن می‌جنگیدند.

از مترجم پرسیدم: «این پاسگاه دولتی نیست؟» او جواب داد: «چرا.» سؤال کردم: «آنها نمی‌توانند ما را ببینند؟» او پاسخ داد: «چرا.» فریاد زدم: «نباید پنهان شویم؟» او با اطمینان خاطر جواب داد: «نه، نه، نگران نباشید. قبلاً هماهنگ شده است.»

این قصه را سه سال بعد به یاد آوردم؛ زمانی که دولت کمونیستی سرانجام به دست مجاهدین افتاد. شش سال بعد زمانی که طالبان بخش اعظم مناطق افغانستان را درنوردیدند و دوباره در این هفته که کشور در برابر حمله دیگری توسط طالبان فروپاشید. چنین «هماهنگی»‌هایی که در آن جناح‌های مخالف توافق می‌کنند نچنگند یا حتی در ازای عبور و مرور امن سربازان را مبادله می‌کنند برای درک این نکته که چرا امروز ارتش افغانستان به سرعت (و عمدتاً بدون خشونت) از هم پاشیده است، امری حیاتی است.

در سال ۱۹۹۲ هنگامی هم که دولت کمونیستی از هم پاشید، این امر صادق بود. بعدها در دهه ۱۹۹۰ که طالبان پیشروی کرد این رویه در بسیاری از جاها ادامه داشت.

این شبکه متراکم رابطه‌ای و هماهنگی‌های مذاکره‌شده بین نیروهای طرفین اغلب برای افراد خارجی مبهم و نامفهوم است. ارتش و سرویس‌های اطلاعاتی ایالات متحده در طول ۲۰ سال گذشته عموماً این سازگار را درک نکرده یا نادیده گرفته‌اند، زیرا آنها به دنبال ترسیم تصویری خوش‌بینانه از تلاش‌های امریکا برای ایجاد ارتشی قوی و وفادار در افغانستان بودند. از این رو دولت بایدن انتظار داشت در اینجا هم همان اتفاق بیفتد که در جنگ ویتنام رخ داد، یعنی «فاصله مناسب» بین خروج ایالات متحده و فروپاشی حکومت افغانستان.

ماه‌ها و سال‌های آینده نشان داد دولت ایالات متحده قبل از خروج از افغانستان درباره وضعیت نیروهای امنیتی آن کشور چه چیزهایی رانمی‌دانست و چه کرد و لذا فروپاشی سریع این کشور قابل پیش‌بینی بود. این موضوع که دولت ایالات متحده نمی‌تواند پیش‌بینی کند یا پیش‌بینی کرد، اما نپذیرفت که نیروهای تحت محاصره افغانستان به رویه دیرینه خود یعنی قطع ارتباط با طالبان ادامه خواهند داد، دقیقاً نشان می‌دهد امریکا گرفتار همان ساده‌لوحی بود که به خاطر آن سال‌ها به جنگ با افغانستان ادامه داد.

جنگ ویزگی اصلی چند هفته گذشته در افغانستان نبوده است، بلکه این ویزگی مذاکرات بین طالبان و نیروهای افغان بوده که گاهی با میانجیگری بزرگان محلی همراه بوده است. روزنامه واشنگتن پست روز یکشنبه درباره «یک سلسله مذاکرات نفسگیر راجع به تسلیم نیروهای دولتی» که نتیجه بیش از یک سال تعامل طالبان و رهبران مناطق بود، گزارش داد.

در افغانستان پیوندهای خویشاوندی و قبیله‌ای اغلب بر وفاداری‌های رسمی سیاسی رجحان دارند یا حداقل فضاهای بی‌طرفی را ایجاد می‌کنند که در آن افراد از طرف‌های مخالف می‌توانند بنشینند و با هم گفت‌وگو کنند. من در طول سال‌ها باره‌بار قبایل مناطق مرزی افغانستان و پاکستان صحبت کرده‌ام. آنان همیشه نشست‌های افراد سرشناس قبایل، از جمله فرماندهان طرف‌های مقابل را اداره می‌کردند.

یکی از موضوعات اصلی که در این جلسات مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد موضوع تجارت و عمدتاً تجارت هروئین است. در اواخر دهه ۱۹۸۰ که به افغانستان سفر می‌کردم این راز